

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره چهاردهم، زمستان ۱۴۰۳: ۹۳-۶۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

پیامدهای اجتماعی تورم؛ واکاوی تجربه کاربران ایرانی توئیتر^۱

* عباسعلی شکار دوست

** سوده مقصودی

*** سعیده گروسی

چکیده

تورم مزمن و پایدار در ایران به عاملی کلیدی در دگرگونی‌های اجتماعی عمیق تبدیل شده است. شبکه اجتماعی توئیتر به مثابه آینه‌ای از تجربه‌های زیسته، بازتاب‌دهنده تأثیرات چندلایه تورم بر ساختارهای اجتماعی است. این پژوهش، پیامدهای اجتماعی تورم را از دریچه گفتمان کاربران ایرانی در توئیتر با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوای قراردادی شی‌ایه و شانون (۲۰۰۵) بررسی کرده است. داده‌ها شامل ۲۶۰ توئیت مرتبط با پیامدهای اجتماعی تورم بودند که با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۸، کدگذاری، دسته‌بندی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تورم با ایجاد فشارهای اقتصادی چندلایه، سه مقوله اصلی از پیامدهای اجتماعی را شکل می‌دهد: شکاف و تغییر قشربندی اجتماعی، انفجار نارضایتی اجتماعی و گسست اجتماعی. در مقوله نخست، تورم با شکل

۱. این مقاله از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی توئیتهای کاربران ایرانی با مضمون تجربه تورم در زندگی روزمره» در دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج شده است.

* دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
Abbasali.shecardoost1372@ens.uk.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
smaghsoodi@uk.ac.ir

*** استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
sgarousi@uk.ac.ir



دادن تضاد طبقاتی مدرن در قالب سقوط طبقاتی، دو قطبی سازی و ظهور طبقه ملاک شهری، ساختار سنتی قشربندی را دگرگون ساخته است. مقوله دوم بر ناامیدی نهاده شده، مشروعیت یابی اعتراضات و مهاجرت استراتژیک به عنوان راهبرد بقا تأکید دارد. این ناامیدی، ذهنیت جمعی ایرانیان را شکل داده و بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی، بستر جنبش‌های اعتراضی و خروج نخبگان را فراهم کرده است. مقوله سوم، کاهش انسجام اجتماعی، شکاف نسلی، افزایش نابرابری اجتماعی و افت سرمایه اجتماعی را بازتاب می‌دهد که تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌ها را تضعیف کرده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که جامعه ایران نه تنها با کمبود منابع اقتصادی، بلکه با کمبود امید اجتماعی روبه‌رو است و مهاجرت به مثابه «پروژه نجات» بلندمدت، نشانه‌ای از زوال امید به بهبود اوضاع داخلی است.

واژه‌های کلیدی: ایران، تورم، پیامدهای اجتماعی، نارضایتی اجتماعی و شبکه اجتماعی توئیت.

مقدمه و بیان مسئله

تورم به مثابه یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کلان، معضلی جهانی محسوب می‌شود که در جوامع در حال توسعه، نمود بارزتری دارد (حیدریان بروجنی، ۱۴۰۱: ۳). از منظر علم اقتصاد، این پدیده بیانگر تغییرات قیمتی در کالاها و خدمات بدون دگرگونی در ارزش ذاتی آنهاست. چنین وضعیتی موجب تحول در قدرت خرید حقوق‌بگیران می‌گردد (ر.ک: Chamberlain, 2013). در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران به‌طور ویژه‌ای با این چالش دست به‌گریبان بوده، تا جایی که به ویژگی متمایز و پایدار نظام اقتصادی کشور مبدل گشته و به بحرانی ساختاری در معیشت شهروندان تبدیل شده است (Tavakolian, 2018: 267). بر پایه آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، شاخص تورم نقطه‌ای در فروردین‌ماه ۱۴۰۴ به رقم ۳۸/۹ درصد صعود کرده که بیانگر افزایش هزینه‌های خانوارها به میزان یادشده برای تهیه سبد کالای مشابه نسبت به دوره زمانی مشابه سال قبل است (مرکز آمار ایران، فروردین ۱۴۰۴). نهادهای بین‌المللی نیز این روند نگران‌کننده را تأیید می‌نمایند. گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول بیانگر آن است که ایران در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب با نرخ تورم ۴۰/۱ و ۴۹ درصدی مواجه بوده که میانگین آن به ۴۲/۵ درصد بالغ می‌گردد (صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۲۳).

این پدیده اقتصادی پیچیده، آثار عمیقی بر تمامی سطوح حیات اجتماعی و اقتصادی جوامع برجا می‌گذارد. وقوع نرخ‌های بالای تورمی موجب دگرگونی ساختارهای اقتصادی شده که پیامدهایی چون گسترش بیکاری در اقشار مختلف، تشدید نااطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی، افت شاخص‌های تولید، محدودیت در توسعه سرمایه‌گذاری و توزیع ناعادلانه منابع را به دنبال دارد. از منظر اجتماعی، شاهد تشدید نابرابری‌های اقتصادی، دگرگونی سبک زندگی به‌ویژه در نسل جوان به عنوان قشر آسیب‌پذیر، کاهش انگیزه پیشرفت، افزایش آسیب‌های اجتماعی، گرایش به ثروت‌اندوزی سریع، تأخیر در تشکیل خانواده و رواج قناعت اجباری هستیم که همگی تهدیدی جدی برای آینده‌نگری و برنامه‌ریزی جوانان محسوب می‌شوند (حیدریان بروجنی، ۱۴۰۱: ۳).

اثرات مخرب این پدیده بر اقشار متوسط و کم‌درآمد، اغماض‌ناپذیر است. خانوارهای فقیر با وابستگی کامل به درآمدهای ثابت، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند، زیرا فاقد دارایی‌های جایگزین برای تعدیل آثار تورمی هستند. این بحران صرفاً به کاهش ثروت

مادی محدود نمی‌شود، بلکه موجب دگرگونی نگرش افراد به واقعیت‌های اجتماعی می‌گردد. بی‌ثباتی ارزش پول ملی، کلیت نظام اقتصادی را زیر سؤال برده، موجبات شکل‌گیری وسواس معیشتی، بی‌اعتمادی ساختاری و مبارزه دائم برای بقا را فراهم می‌آورد (افراسیابی و بهارلویی، ۱۳۹۹: ۲۸). تضعیف قدرت خرید، تغییر الگوهای مصرفی در طبقات محروم، فشار مضاعف بر سالمندان و کاهش شاخص‌های رفاه ذهنی، از دیگر تبعات این معضل است. کاهش تدریجی قدرت خرید در بلندمدت می‌تواند به بازتوزیع ناعادلانه ثروت و افت کیفیت زندگی بینجامد که لزوم بررسی ابعاد اجتماعی شوک‌های تورمی را دوجندان می‌سازد (Béland et al, 2024: 152).

در عصر حاضر، شبکه‌های اجتماعی پرتعداد نظیر توئیتر به ابزاری کارآمد برای رصد بی‌واسطه پیامدهای تورمی تبدیل شده‌اند. آمارها نشان‌دهنده رشد ۸۰ درصدی استفاده از این پلتفرم‌ها بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ است. امروزه ۶۰ درصد کاربران اینترنت جهانی، عضو فعال شبکه‌های اجتماعی هستند (آذری و امیدوار، ۱۳۹۱: ۱۸۲؛ محمدخانی، ۱۴۰۲: ۲). پژوهش ایسپا در خرداد ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که ۷۸/۵ درصد ایرانیان، حداقل از یک شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند که واتس‌آپ با ۷۱/۱ درصد، اینستاگرام با ۴۹/۴ درصد و توئیتر با ۳ درصد، بیشترین سهم را دارند (ایسپا، خرداد ۱۴۰۱).

در سال‌های اخیر، توئیتر برای انتشار آمار تلفات، خسارت‌ها، هشدارها و اخبار بلایای طبیعی و بحران‌هایی مانند پاندمی کرونا، زلزله‌هاییتی، آتش‌سوزی روسیه و طوفان سندی به صورت چندرسانه‌ای استفاده شده است. کاربران اجتماعی این شبکه از آن با ماهیت انتقادی و پیشنهادی برای به اشتراک گذاشتن اخبار و رویدادهای اجتماعی استفاده می‌کنند (Findawati et al, 2023: 2). این پلتفرم با ۳۶۰ میلیون کاربر در ۲۰۲۰، نقش بی‌بدیلی در تحولات سیاسی - اجتماعی جهان مانند انتخابات آمریکا ایفا کرده است (ر.ک: ویکی‌پدیا، اوت ۲۰۲۳). در بستر تحولات اجتماعی ایران نیز توئیتر با وجود جامعه دومیلیون کاربری، در رویدادهایی چون انتخابات ۱۳۸۸ و اعتراضات اقتصادی دهه ۹۰، به رسانه‌ای تأثیرگذار تبدیل شد (حسین‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۰۵؛ مرکز پژوهشی بتا). بنابراین توئیتر با وجود جامعه آماری کمتر نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی با ماهیت غالب سرگرمی، پرکاربردترین پلتفرم در زمینه بحران‌ها و مسائل اجتماعی است.

در حوزه مسائل اقتصادی، توئیتر به عنوان یک پلتفرم ارزشمند برای سنجش

احساسات درباره تورم، ظاهر شده است. تحقیقات نوین، امکان سنجش دقیق انتظارات تورمی از طریق تحلیل داده‌های توئیترا تأیید می‌کنند (ر.ک: Muñoz-Martínez et al, 2023). با این حال مطالعات میدانی درباره تأثیرات اجتماعی تورم در فضای مجازی ایران مغفول مانده است. ضرورت انجام پژوهش‌های کیفی و کمی (در فضای مجازی) برای شناسایی عوامل تشدیدکننده و آثار بلندمدت تورم بر نهادهای اجتماعی آشکار است (افراسیابی و بهارلویی، ۱۳۹۹: ۴۲).

مرور پیشینه پژوهش بیانگر عدم بهره‌گیری از داده‌های توئیترا در تحلیل پیامدهای اجتماعی تورم در ایران است. این خلأ دانشی، اهمیت مطالعه حاضر را برجسته می‌سازد. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش، واکاوی پیامدهای اجتماعی تورم از منظر کاربران ایرانی توئیترا با تمرکز بر این پرسش محوری است: «مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی تورم از دیدگاه کاربران ایرانی توئیترا، چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟». دستاورد این پژوهش می‌تواند مبنایی برای تدوین راهبردهای عملیاتی همسو با نیازهای واقعی جامعه فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

حیدریان بروجنی (۱۴۰۱) در پژوهشی به مطالعه «بازنمایی نقش تورم و شرایط اقتصادی بر زندگی جوانان» پرداخته است. روش پژوهش، کیفی با رویکرد داده‌بنیاد است. نمونه‌گیری تحقیق به صورت هدفمند به تعداد ۲۳ نفر بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که تورم موجب مشکلات روحی و جسمی، مشکلات مالی، آسیب‌های اجتماعی، تضعیف ارزش‌های افراد، پذیرش تورم، فرسایش معنوی، عامل ترک تحصیل، کاهش سلامتی، از بین برنده اهداف، نابرابری اقتصادی، از بین رفتن انگیزه، خستگی زودرس، به فکر پول بودن، غرق شدن در سردرگمی، عادی‌پنداری، صرفه‌جویی در نیازها، ناهنجاری در ارتباطات، سازگاری معیشتی، کاهش همبستگی اخلاقی و محدودسازی تعاملات بر جوانان شده است.

منزلی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌های اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی» به بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی تحت وب و موبایل‌محور بر ارتباطات و بحران‌های اجتماعی پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و داده‌ها با

روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه) جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داد که محتوامحور بودن رسانه‌های اجتماعی، بیشترین تأثیر را در جذب مخاطب و اطلاع‌رسانی، بیشترین نقش را در هدایت و تحریک مخاطبان در بحران‌های اجتماعی دارد. بنابراین رسانه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه شبکه‌های موبایل محور، نقش مستقیم و قابل توجهی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های اجتماعی دارند و این نقش در آینده، به‌ویژه در انتخابات و با گسترش شبکه‌هایی مانند کلاب‌هاوس و فعالیت گروه‌های معاند، پررنگ‌تر خواهد شد.

بهارلویی و افراسیابی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تورم و زیست اقتضایی در جامعه ایران: یک مطالعه داده‌بنیاد» به بررسی پیامدهای تورم بر زندگی اجتماعی مردم پرداختند. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد داده‌بنیاد انجام شده و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با مشارکت ۶۰ نفر صورت گرفته است. نتایج نشان داد که تورم، پیامدهایی مانند مناسبات جهانی، فشار و تغییر، ناکارآمدی نهادی، انفعال جمعی، تنگنای ذهنی/زیستی و تحولات هنجاری/تعاملی بر زندگی اجتماعی مردم داشته است. افراسیابی و بهارلویی (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر با عنوان «تنگنای زیست‌جهان سالمندی: مطالعه کیفی بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان» به بررسی پیامدهای تورم بر زندگی بازنشستگان پرداختند. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد داده‌بنیاد بر ساخت چرخه انجام شده و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با مشارکت ۳۳ نفر صورت گرفته است. نتایج نشان داد که تورم، پیامدهایی مانند سازگاری معیشتی، کاهش توان حمایتی از فرزندان، دشواری انتظارات فرزندان، فرسایش روان، کاهش همبستگی اخلاقی، محدودسازی تعاملات و فرسایش هنجاری بر زندگی روزمره بازنشستگان داشته است.

دین‌محمدی و قربانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل آثار اجتماعی تورم (با تأکید بر سرمایه اجتماعی)» به بررسی پیامدهای تورم بر سرمایه اجتماعی مردم ایران پرداختند. این پژوهش به روش مروری و کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج نشان داد که تورم با تأثیر بر سرمایه اجتماعی، موجب کاهش شدید اعتماد، افزایش میل نهایی به مصرف، بی‌ارزش شدن کار و ارزشمند شدن سرمایه، افزایش فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی، نااطمینانی و آینده‌هراسی، افزایش نابرابری‌ها و ضریب جینی و ناشکیبایی در مصرف شده است.

مهربانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در

ایران» به بررسی اثرات تورم بر شکاف طبقاتی در کشور پرداخت. این پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی و رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب (SUR) انجام شده است. نتایج نشان داد که تورم موجب افزایش شکاف طبقاتی در ایران شده است.

ژدانوف و کوروتایف^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «فشار تورمی و بی‌ثباتی انقلابی: ارزیابی تأثیر و تحلیل مقایسه‌ای» به بررسی نقش تورم مواد غذایی در آغاز فرآیندهای انقلابی پرداختند. این پژوهش با رویکرد کمی - تحلیلی و با استفاده از مدل رگرسیون برای رویدادهای نادر انجام شده است. نتایج نشان داد که تورم مواد غذایی، پیش‌بینی‌کننده‌ای نسبتاً قابل اعتماد برای شروع فرآیندهای انقلابی است و تأثیر شدیدی بر گروه‌های کم‌درآمد دارد. بنابراین عاملی قوی برای بی‌ثباتی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اقتصادی محسوب می‌شود.

روچا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تورم و مهاجرت نیروی کار: مدل‌سازی مورد ونزوئلا» به بررسی تأثیر تورم بر مهاجرت نیروی کار پرداختند. این پژوهش با روش اقتصادسنجی و با استفاده از مدل مرکز - پیرامونی انجام شده است. نتایج نشان داد که تورم موجب موج فرار مهاجران و پناهندگان شده است. همچنین کارگران صنعتی و کشاورزی ونزوئلا، تمایل به مهاجرت به کشورهای مجاور مانند کلمبیا، برزیل، اکوادور و پرو دارند.

گوریف و ملنیکوف^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «جنگ، تورم و سرمایه اجتماعی» به بررسی تأثیر تورم بر سرمایه اجتماعی در مناطق روسیه پرداختند. این پژوهش با رویکرد تحلیل کمی و با استفاده از داده‌های جست‌وجوی اینترنتی انجام شده است. نتایج نشان داد که تورم، تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی مناطق روسیه دارد.

با بررسی پیشینه پژوهش‌ها درمی‌یابیم که مقالات فارسی‌زبان در حوزه پیامدهای اجتماعی اغلب بر جنبه‌های کیفی و اجتماعی سطح خرد متمرکز هستند و حوزه فضای مجازی مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش‌های خارجی نیز بر تحلیل‌های اقتصادی و

1. Zhdanov & Korotayev

2. Rocha

3. Guriev & Melnikov

داده‌های آماری تکیه دارند و مانند پژوهش‌های داخلی، داده‌های شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش نسبت به تحقیقات موجود به بررسی پیامدهای اجتماعی تورم در سطوح میانی و کلان از دیدگاه کاربران توئیتر پرداخته است.

چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش‌های کیفی برخلاف تحقیقات کمی، به سنجش و آزمایش نظریه‌های پیشین نمی‌پردازند و به همین سبب، چارچوب نظری از پیش مشخصی ندارند. این پژوهش بر پایه رویکرد کاملاً استقرایی تحلیل محتوای شیء و شانون (۲۰۰۵) از نوع عرفی یا قراردادی طراحی و تدوین شده است که توضیحات بیشتر درباره آن در بخش روش پژوهش ارائه خواهد شد. این رویکرد تحلیل محتوا در تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج کاملاً بر داده‌های خام تحقیق متکی است و فاقد هرگونه مبانی نظری از پیش تعیین‌شده است. با این حال چنین مطالعاتی مناسب است از یک «چارچوب مفهومی» استفاده کنند که به عنوان راهنمای مسیر پژوهش عمل کند (اصغری و ماسوله و داوری، ۱۴۰۳: ۱۷۴).

بر همین اساس، پژوهشگران این پژوهش علاوه بر استخراج یافته‌ها از داده‌های خام پژوهش، دو مفهوم نارضایتی اجتماعی و قشربندی اجتماعی را به عنوان پدیده‌های متأثر از تورم اقتصادی برای چارچوب مفهومی این تحقیق انتخاب نمودند. محققان در فرایند کدگذاری تحقیق، مؤلفه‌ها و ابعاد مفاهیم یادشده را بر اساس تعاریف ذیل از داده‌های پژوهش استخراج نموده، در بخش یافته‌ها و نتایج تحقیق با بهره‌گیری از ادبیات نظری مرتبط تجزیه و تحلیل خواهند کرد.

نارضایتی اجتماعی

نارضایتی اجتماعی^۱، پدیده‌ای است که در هر جامعه یا سازمانی به عنوان موضوعی قابل تأمل مطرح می‌شود. پیروگوف^۲، این مفهوم را نشانه‌ای از بی‌ثباتی در نظام اجتماعی تعریف می‌کند که از تضییع حقوق افراد نشئت می‌گیرد (Yurevich & Shavkatovna, 2017: 71). الکویر^۳ نیز در تبیینی مشابه بر این باور است که این پدیده، هنگامی شکل می‌گیرد که گروهی از شهروندان یا طبقه‌ای خاص احساس کنند حقوق و

1. social dissatisfaction

2. Pirogov

3. Lacquer

ارزش‌های متناسب با جایگاه اجتماعی خود را دریافت نکرده‌اند. به بیان دیگر، نارضایتی اجتماعی، برآیند عدم تحقق حقوق و انتظارات مردم است که می‌تواند به بروز چالش‌ها و ناپایداری‌های اجتماعی بینجامد (محمدی خانقاهی و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۷).

نارضایتی اجتماعی، ارتباطی تنگاتنگ با چارچوب‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی همچون بهزیستی، همبستگی اجتماعی و کیفیت زندگی دارد و می‌تواند تأثیرات منفی در هر سه حوزه برجای گذارد (Ryff & Keyes, 1995: 719). نارضایتی اجتماعی، وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن بخش زیادی از اعضای جامعه از عملکرد حاکمیت و شرایط موجود، ناخشنود هستند. این نارضایتی، قابلیت تبدیل به معضلی فراگیر دارد، زیرا بازتاب‌دهنده ناخرسندی افراد از ابعاد گوناگون زندگی‌شان است. این پدیده معمولاً ناشی از برآورده نشدن نیازهای بنیادین مانند امنیت، شایستگی و احترام است. به عبارتی این احساس نارضایتی، محصول فاصله میان پیشرفت مورد انتظار فرد و آنچه در واقعیت به آن دست‌یافته، می‌باشد (محمدی خانقاهی و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۷، رضانی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۱۹).

قشربندی اجتماعی

قشربندی اجتماعی^۱، مفهومی است که به چینش سلسله‌مراتبی افراد و گروه‌ها در جامعه بر پایه معیارهای متعدد (همچون ثروت، قدرت، یا منزلت اجتماعی) اشاره می‌کند. این لایه‌بندی موجب ایجاد نابرابری‌هایی می‌شود که اتفاقی یا زودگذر نیستند، بلکه سازمان‌یافته و ماندگار هستند. به بیان دیگر، این نابرابری‌ها در گذر زمان از طریق ساختارها و سازوکارهای اجتماعی (مانند نظام آموزشی، اقتصادی، یا سیاسی) پایدار مانده، حتی تقویت می‌گردند (رشیدی، ۱۳۹۴: ۳). به این ترتیب قشربندی اجتماعی به مطالعه ساختارهای طبقاتی و موقعیت افراد در بافت اجتماعی می‌پردازد و از منظرهای گوناگونی واکاوی شده است. کارل مارکس، اجتماع را به دو طبقه بورژوازی (صاحبان وسایل تولید) و پرولتاریا (نیروی کار) تقسیم نمود و بر این باور بود که نظام سرمایه‌داری با استثمار کارگران، شکاف اقتصادی را عمیق‌تر می‌سازد. ماکس وبر، دیدگاه مارکس را بسط داد و بیان داشت که علاوه بر جایگاه اقتصادی، عناصر قدرت و منزلت نیز در شکل‌گیری قشربندی اهمیت دارند. او قشربندی را پدیده‌ای چندوجهی قلمداد

کرد که صرفاً با عوامل اقتصادی قابل تبیین نیست (Sachan, 2024: 53-54). پژوهش حاضر مبتنی بر این چارچوب مفهومی، این هدف را دنبال می‌کند که از دیدگاه کاربران ایرانی توئیتر، تورم اقتصادی به عنوان یک پدیده اقتصادی ناشی از تحریم، سیاست‌گذاری نادرست و... که چندین دهه جامعه ایران را دچار مشکلات عدیده اجتماعی نموده است، چگونه و بر چه حوزه‌هایی از نارضایتی اجتماعی و قشربندی اجتماعی جامعه ایرانی تأثیر گذاشته و چه پیامدهای روانی و اجتماعی را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، کاربران ایرانی در مقابل پیامدهای روانی و اجتماعی تورم، چه واکنشی را به عنوان راه حل خروج از تورم مزمن ایران، ابراز یا پیشنهاد می‌نمایند. بنابراین هدف نهایی پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌ها، پیامدهای اجتماعی و راه حل برون‌رفت از تورم از دیدگاه کاربران اجتماعی توئیتر است.

روش پژوهش

این پژوهش با اتکا به روش کیفی و به کارگیری تکنیک تحلیل محتوا (رویکرد عرفی) انجام شده است. تحلیل محتوا به عنوان یک رویکرد تفسیری، از طریق کدگذاری نظام‌مند، دسته‌بندی داده‌ها و استخراج تم‌های کلیدی، به واکاوی متون می‌پردازد. این روش به محققان امکان می‌دهد تا با حفظ اصالت داده‌ها، برداشت‌های ذهنی خود را در چارچوبی علمی ارائه دهند. در این رویکرد، پژوهشگران فراتر از محتوای سطحی متون حرکت کرده، الگوهای آشکار یا پنهان موجود در داده‌ها را شناسایی می‌کنند.

بر پایه دیدگاه شیءیه و شانون (۲۰۰۵)، تحلیل محتوا به سه دسته «عرفی»، «جهت‌دار» و «تلخیصی» تقسیم می‌شود (ر.ک: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، رویکرد عرفی (استقرایی) انتخاب شد. این رویکرد برای مطالعاتی با هدف توصیف یا توضیح یک پدیده مناسب است. در این روش، محققان به جای استفاده از مقوله‌های از پیش تعیین‌شده، مقوله‌ها و تم‌ها را مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌کنند. فرایند تحلیل با درک محقق از داده‌ها آغاز می‌شود. این عمل باعث شکل‌گیری رمزها از متن داده‌های پژوهش می‌شود و سپس محقق بر پایه شباهت‌ها و تفاوت‌های رمزها، آنها را مقوله‌بندی می‌کند. سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست (تم) حاصل می‌آید.

(Hsieh & Shannon, 2005: 1279؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۴).

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه توئیت‌های فارسی مرتبط با موضوع تورم است که در بازه زمانی یک‌ساله (مرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۲) در شبکه اجتماعی توئیتر منتشر شده‌اند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند است. بر اساس این روش، کلیه توئیت‌های مرتبط با تورم در بازه زمانی یادشده، به صورت هدفمند با استفاده از کلیدواژه «تورم» و با همکاری مؤسسه دانش‌بنیان لایفوب به تعداد ۲۹۲,۰۲۹ توئیت از کاربران فارسی‌زبان جمع‌آوری شده است.

در مرحله بعد، فرآیند کدگذاری آغاز شد. در این مرحله، پژوهشگران با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۱۸، به کشف کدها، دسته‌بندی آنها و در نهایت ساخت مقوله‌های اصلی پرداختند. تحلیل داده‌ها به صورت مداوم تا رسیدن به اشباع نظری (ماه ششم، دی ماه ۱۴۰۱) ادامه یافت. اشباع نظری به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی گفته می‌شود که داده‌ها برای پاسخ به سؤالات تحقیق کافی به نظر می‌رسند و پس از آن، اطلاعات جمع‌آوری‌شده، مشابه و تکراری می‌شوند (Strauss & Corbin, 1998: 292). در نهایت ۲۶۰ توئیت انتخاب، کدگذاری و مقوله‌بندی شد و مقوله‌های مرتبط با موضوع تورم استخراج شد.

برای اطمینان از صحت نتایج و تجزیه و تحلیل مناسب، پژوهشگران فرایند کدگذاری و تم‌سازی را یک ماه دیگر (بهمن ماه ۱۴۰۱) تکرار نمودند تا اینکه مجدد داده‌های جدید، تغییری در یافته‌ها ایجاد نکرد و پژوهش به کفایت نظری رسید. واحد تحلیل در این پژوهش، «جمله‌های کاربران» و واحد ثبت، «مضامین استخراج‌شده از محتوا» بودند. در نهایت برای ارتقای اعتبار و اعتمادپذیری، فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با دقت و به‌طور سیستماتیک انجام شد تا تحلیل‌ها به‌درستی با موضوع تحقیق هم‌راستا باشند. همچنین با استفاده از کدگذاری توافقی و بازبینی دقیق مقوه‌ها، داده‌ها و نتایج حاصل از تحلیل‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. این فرایند شامل بازبینی مجدد کدگذاری‌ها توسط دو کدگذار با تجربه بود تا از صحت و ثبات نتایج اطمینان حاصل شود. تمامی این اقدامات برای تضمین قابلیت تعمیم‌یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه و افزایش اعتبار نتایج صورت پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

با بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از مرحله اول کدگذاری (کدهای اولیه)، مفاهیمی به دست آمد که در جدول شماره (۱) و (۲) نشان داده شده است. این مفاهیم بیانگر درک پیامدهای اجتماعی کاربران ایرانی توئیتر از تورم اقتصادی است. پس از این مرحله، مفاهیم مشابه و نزدیک به هم از نظر معنایی در قالب مقوله‌های فرعی طبقه‌بندی شد. مرحله سوم کدگذاری، یعنی تم‌سازی، فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی بایکدیگرست که مقوله‌های فرعی در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به هم مرتبط شدند. در مجموع کل فرایند کدگذاری، سه مقوله نهایی با عناوین شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی، انفجار نارضایتی اجتماعی و گسست اجتماعی استخراج شد.

جدول ۱- مضامین و مقوله‌های شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی

و انفجار نارضایتی اجتماعی

دسته‌بندی پژوهش							
پیامدهای اجتماعی تورم							
تم اصلی							
شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی				انفجار نارضایتی اجتماعی			
مقوله‌های فرعی				مقوله‌های فرعی			
تضاد طبقاتی مدرن		نامیدی نهادینه شده		مهاجرت استراتژیک ایرانیان		مشروعیت جنبش‌ها و شورش‌ها	
زیرمقوله‌ها				زیرمقوله‌ها			
ملک شهری	ظهور طبقه	سقوط طبقاتی	دوقطبی‌سازی اقتصادی- اجتماعی	یأس و سرخوردگی	مهاجرت ایرانیان اجباری	سودای مهاجرت	تحول‌خواهی با اقدام به اعتراضات
مفاهیم یا کد اولیه				مفاهیم یا کد اولیه			
شهری	اربابان املاک	شکل‌گیری طبقه پایین	طبقه متوسط و پایین	افزایش فاصله و شکاف غنی و فقیر (۱۸)	دلسردی جوانان نسبت به آینده (۷)	مهاجرت نخبگان (۱)	مهاجرت اجباری از ایران (۲)
شهری	اربابان املاک	شکل‌گیری طبقه پایین	طبقه متوسط و پایین	افزایش فاصله و شکاف غنی و فقیر (۱۸)	دلسردی جوانان نسبت به آینده (۷)	مهاجرت نخبگان (۱)	مهاجرت اجباری از ایران (۲)
شهری	اربابان املاک	شکل‌گیری طبقه پایین	طبقه متوسط و پایین	افزایش فاصله و شکاف غنی و فقیر (۱۸)	دلسردی جوانان نسبت به آینده (۷)	مهاجرت نخبگان (۱)	مهاجرت اجباری از ایران (۲)

مشروعیت اعتراضات و اعتصابات مردمی (۲)	سودای مهاجرت	مهاجرت برای بهبود زندگی (۱)	مهاجرت پزشکان (۱)	عدم امید به بهبود زندگی بازنشستگان	فقرتر شدن ضعفا (۱)	تبدیل به طبقه متوسط و تزلزل به طبقه پایین (۲۹)	شکل گیری نهادهای حاکمیتی مالک زمین
اعتراضات و افزایش (۱۸)	ناتوانی در مهاجرت	افزایش پناهندگی (۲)	مهاجرت دانشجویان	ناامیدی مردم به آینده (۲۱)	ثروتمند شدن اقشار مرفه (۳)	حذف شدن طبقه کم‌درآمد	
همراهی قشر خاکستری و منفعل (۴)	برنامه‌ریزی والدین برای مهاجرت فرزندان (۱)	عدم بازگشت ایرانیان			افزایش نابرابری‌های اجتماعی		

* اعداد داخل پرانتز در جدول، تعداد توثیقات مرتبط با آن مفهوم هستند که معانی مشابهی دارند و در این کد اولیه و مفهوم قرار می‌گیرند.

۱- شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی: از دیدگاه کاربران ایرانی توثیتر، مفهوم تغییر نظام قشربندی اجتماعی به دگرگونی‌های ساختاری در موقعیت، نقش و روابط بین طبقات مختلف اجتماعی اشاره دارد و مفهوم شکاف نظام قشربندی اجتماعی بیانگر تشدید نابرابری‌ها و اختلافات اقتصادی و اجتماعی بین طبقات مختلف جامعه ایران در شرایط افزایش قیمت‌ها (تورم) است. تورم از طریق مکانیسم درآمد‌ها، دارایی‌ها و فرصت‌های اقتصادی موجب تشدید فاصله عمیق بین گروه‌های ثروتمند، متوسط و کم درآمد، تضعیف طبقات و ظهور گروه‌های جدیدی در نظام قشربندی اجتماعی ایران شده و تحرک بین‌نسلی (امکان جابه‌جایی افراد بین طبقات) را کاهش داده است.

مقوله فرعی این مضمون مبتنی بر مفهوم تضاد طبقاتی مدرن استخراج شده است.

۱-۱- تضاد طبقاتی مدرن: تضاد طبقاتی مدرن به شکاف، تضعیف و تغییر ساختاری طبقات مختلف جامعه ایران اشاره دارد که به دلیل عدم تناسب بین افزایش قیمت‌ها (تورم) و رشد درآمد یا ثروت ایجاد شده است. این تضاد و روابط تنش‌آمیز ناشی از

تفاوت‌های ساختاری در دسترسی به منابع اقتصادی، سرمایه‌گذاری و ابزار محافظتی بین طبقات اجتماعی است.

نمونه‌ای از تئیت‌ها در اینجا آورده شده است:

«یکی از نتایج مهم تورم پس از دهه ۹۰، دست‌نیافتنی شدن مسئله زمین در ایران بود. این تورم، طبقه‌ای اقلیت از نوکیسه‌های صاحب زمین شهری و نهادهای حاکمیتی مالک زمین را ایجاد کرد و به همان میزان اکثریت جامعه را از تصاحب زمین دور کرد. استیجاری شدن زندگی، بدعت از تمدن به زندگی کوچ‌روی است».

«تورم به همان میزان که خوشحالی و شادمانی و رضایت سرمایه‌داران را به همراه دارد، خشم و نارضایتی و سرخوردگی طبقات متوسط و پایین را نیز به دنبال دارد».

«نتیجه نوسان‌های قیمت و تورم بی‌حساب و کتاب این میشه، فاصله طبقاتی هزاران برابر بیشتر میشه! فقیرها، فقیرتر و ثروتمندهای ذی‌نفع، ثروتمندتر! وقتی قیمت دلار تو چند سال گذشته ده برابر شد، به همین میزان ارزش حقوق و درآمد مردم کمتر شد! این داستان غم‌انگیزتر از اون چیزیه که بشه تصورش کرد».

«افزایش حقوق بازنشستگان و کارمندان دولت ۲۰٪، حداقل تورم ۴۰٪. طبقه متوسط شهری دارن روی طناب راه میرن و با هر تکان و تلاطم اقتصادی، عده‌ای شون پرت می‌شن پایین!!»

۲- انفجار نارضایتی اجتماعی: از دیدگاه کاربران ایرانی توئیتر، انفجار نارضایتی اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، افزایش شدید و مداوم قیمت‌ها (تورم) منجر به واکنش‌های جمعی مانند خشم، اعتراض و ناآرامی‌های گسترده در میان اقشار مختلف جامعه ایران شده است. در این شرایط، جامعه ایرانی احساس می‌کند که توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را از دست داده‌اند و دیگر هیچ امیدی به بهبود شرایط وجود ندارد. بنابراین در این وضعیت، اغلب مردم دچار سرخوردگی و ناامیدی شده، در صورت توان لازم، اقدام یا تمایل به مهاجرت دارند.

مقوله‌های فرعی این تم عبارتند از: ناامیدی نهادینه‌شده، مشروعیت جنبش‌ها و شورش‌ها، مهاجرت استراتژیک ایرانیان.

۱-۲- ناامیدی نهادینه‌شده: ناامیدی نهادینه‌شده به وضعیتی اشاره دارد که در آن، تورم مزمن و طولانی‌مدت باعث ایجاد حس عمیق و گسترده‌ای از یأس و بی‌اعتمادی در بین مردم ایران، نسبت به بهبود شرایط اقتصادی و زندگی‌شان شده است. به عبارتی این ناامیدی، دیگر یک احساس فردی گذرا نیست، بلکه به یک ویژگی ساختاری در نگرش و باورهای جمعی ایرانیان در شرایط تورم مزمن تبدیل شده است. نمونه‌ای از توثیقات در اینجا آورده شده است:

«جوونی که به خیابون میاد، جوونیه که از سیاست شما خسته شده.

بیست سال چشم‌انتظار توافق بوده و هر بار با شواف‌های دولت امیدش ناامید شده. جوونی که به خیابون اومده، تصورش به آینده به دلیل بی‌ثباتی و تورم دو رقمی هرساله سیاهه و ناامید».

«خیال، به دست آوردن ماشین ۲۰۰ ماه و خانه ۵۰۰ ماه پس‌انداز از درآمد، اگر باشه! البته اگر قیمت امروز ۷۰۰ ماه شوک‌های مجدد نخوره و تورم با دستمزد برابر رشد کنه! دیگه عمری باقی باشه! البته برای جوانان امروز، این‌طوری امید به آینده رو به دار فلاکت آویختند!»

«شما که هیچ‌وقت جواب نمی‌دین، اما تورم هر ساله دورقمی، القای ناامیدی نیست، خود خود ناامیدی است».

۲-۲- مشروعیت جنبش‌ها و شورش‌ها: مشروعیت جنبش‌ها و شورش‌ها به اقدامات جمعی اعتراضی یا خشونت‌بار سازمان‌یافته یا خودجوشی اشاره دارد که در پاسخ به تورم شدید در ایران شکل گرفته است. این جنبش‌های اجتماعی، بیانگر آن است که زندگی روزمره مردم به سطح غیر قابل تحمل سوق یافته و نهادهای حکومتی در مهار آن ناکام مانده‌اند. از این‌رو حالتی از اعتقاد عمومی یا جمعی در صحت و منطقی بودن فعالیت‌های جنبشی یا شورشی (توجیه اخلاقی - اجتماعی) در ایران شکل گرفته که تنها راه‌حل برای مقابله با وضعیت موجود را فعالیت‌های جنبشی یا شورشی می‌دانند. نمونه‌ای از توثیقات در اینجا آورده شده است:

«ما کلی دلیل برای اعتراض داریم. گرونی، بیکاری، تورم و ناعدالتی. ما کلی دلیل داریم، اینا بهانه نیستن. همون دلیلی که می‌گه اعتراض خودمون رو توی خیابون‌ها بیاریم».

«فشار تورم، ورشکستگی اقتصادی و ناکارآمدی و فساد (که در بحران دارو و بعدتر آب، گاز و برق نمود می‌یابد)، سوخت و هیزم اعتراض‌ها را فراهم می‌کند، به آن تداوم می‌بخشد و بخش‌های تاکنون ساکت جامعه را به حرکت در می‌آورد».

«دلیلش فقط یه چیزه. مردم خسته شدند. از ناامنی اقتصادی، از اختلاس، از تورم، از سختی زندگی، مردم مثل بشکه باروت هستند که منتظر یک جرقه (اند). اما خواهشاً به رجوی و منافقین نجسبونین مردم رو».

«دوقطبی از سال‌های قبل بود، اما نمودش الان شدید شده. با این وضعیت حکمرانی نظام و عدم تغییر رویکرد، دوقطبی کاهش نخواهد یافت و بیشتر و خشن‌تر خواهد شد. فقط باید دید طبقه خاکستری به کدامین طرف مایل می‌شوند که با توجه (به) عدم توانایی دولت در کنترل تورم و بیکاری به سمت معترضین خواهد بود».

۲-۳- مهاجرت استراتژیک ایرانیان: مهاجرت استراتژیک ایرانیان به نوعی از مهاجرت اطلاق می‌شود که در آن افراد یا خانواده‌های ایرانی برای فرار از تأثیرات تورم مزمن اقتصادی به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند برای تحقق شرایط اقتصادی پایدارتر، کیفیت زندگی، فرصت‌های شغلی و آینده بهتر برای خود و فرزندانشان، تصمیم به ترک ایران می‌گیرند. این نوع مهاجرت، یک واکنش انفعالی صرف نیست، بلکه انتخابی آگاهانه و سنجیده است که بر اساس ارزیابی دقیق شرایط و امکانات موجود صورت می‌گیرد. نمونه‌ای از توثیث‌ها در اینجا آورده شده است:

«منم همین‌طور. فقط می‌خوام خانوادمو از ایران خارج کنم و دیگه هیچ خبری از ایران نخونم. قیمت دلار امروز چک کردید؟ باز یه تورم وحشتناک‌تر تو راهه».

«عامل اصلی مهاجرت، رنجیه که آدم‌ها از این حجم بی‌کیفیتی (کالا، خدمات، اطلاعات، قوانین و...) می‌برند. زندگی با اینها، بی‌کیفیت و عذاب‌آور می‌شه. درهای بسته و تورم مهارنشدن نیم‌قرنه، نتیجه‌ای به جز بی‌کیفیتی نداره. غیر این باشه، منطقی نیست. استثناها مهم نیستند!»

«خوبه، ولی من خسته شدم. تو ایران هرچی دست و پا می‌زنی، به هیچ‌جا نمی‌رسی. همیشه از تورم عقبی. واقعاً داره عمر و جوانیم می‌ره. میتونستم، واقعاً می‌رفتم.»

جدول ۲- مضامین و مقوله‌های گسست اجتماعی

دسته‌بندی پژوهش			
پیامدهای اجتماعی تورم			
تم اصلی			
گسست اجتماعی			
مقوله‌های فرعی			
فقدان انسجام اجتماعی	شکاف و انجماد نسلی	کاهش سرمایه اجتماعی	افزایش نابرابری اجتماعی
زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
تضعیف همبستگی اجتماعی	گسل نسلی	تضعیف سرمایه اجتماعی	تسریع نابرابری اجتماعی
مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه
کاهش مشارکت مردم در امور اجتماعی	گسل نسلی در ایران	کاهش اعتماد به عموم مردم (۱)	احساس بی‌عدالتی و تبعیض در مقایسه با ثروتمندان
کاهش وحدت و یکپارچگی مردم	عدم امکان تحرک اجتماعی برای جوانان	از بین رفتن سرمایه اجتماعی (۲)	نارضایتی از بهره‌مندی ارزان اتباع غیر ایرانی از خدمات شهری

دوقطبی شدن جامعه	تورم عامدانه حاکمیت برای پیشگیری از تغییرات نسلی	خانه‌نشینی متخصصان و عدم اشتغال آنان
جامعه محتاط و ترسو برای ایجاد تغییر		بهره‌مندی گروه‌های خاص و پرنفوذ از شرایط تورمی
کاهش باورهای دینی مردم		

۳- **گسست اجتماعی:** از دیدگاه کاربران ایرانی توئیتر، گسست اجتماعی به فرایندی اشاره دارد که در آن افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) به اختلال در ساختارها، روابط و همبستگی‌های اجتماعی جامعه ایرانی انجامیده است. تورم با تضعیف روابط و پیوندهای اجتماعی منجر به کاهش تعاملات مثبت، افزایش خشونت و بی‌اعتمادی، شکاف نسلی و از بین رفتن ارزش‌های مشترک در سطح جامعه شده است. مقوله‌های فرعی این تم عبارتند از: فقدان انسجام اجتماعی، شکاف و انجماد نسلی، کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش نابرابری اجتماعی.

۳-۱- **فقدان انسجام اجتماعی:** فقدان انسجام اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن، تورم مزمن و روزافزون، بافت اجتماعی جامعه ایران را تضعیف کرده و باعث کاهش همبستگی میان اعضای جامعه، از بین رفتن حس مشترک تعلق و تضعیف پیوندهای اجتماعی شده است. به عبارتی افراد جامعه ایران، احساس تعلق و همبستگی کمتری نسبت به یکدیگر و نسبت به جامعه خود دارند و نمی‌توانند به طور مؤثر با یکدیگر همکاری کرده و برای حل مشکلات مشترک تلاش نمایند.

نمونه‌ای از توئیتهای در اینجا آورده شده است:

«تیر اول اعتماد یه جمله از مارکس رو تداعی می‌کنه: اگه همزمان با تولید، شرایط تولید بازتولید نشن، نظام اجتماعی یکسال هم دوام نمیاره. با این نرخ تورم و میزان ناامیدی، دچار گسیختگی شدیدتر اجتماعی

هستیم. یعنی مرده‌های متحرک بیشتر در سطح شهرها که در قالب تجمعات کور، فقط دنبال غذا می‌گردند».

«با این تورم برا ملت نه امیدی مونده، نه وحدت. زمستان سخت هم که نصیب ملت شد».

«از نگاه این بزرگواران گویا تورم تا انقلاب مهدی (عج) ادامه داره. دیدن ثبات و آرامش در جاس از محالات تصور میشه».

۳-۲- شکاف و انجماد نسلی: شکاف و انجماد نسلی به وضعیتی اشاره دارد که در آن تورم بالا و مزمن، اختلافات عمیقی بین نسل‌های مختلف جامعه ایران در زمینه‌های فرهنگی، ارزش‌ها، اعتقادات و حتی اهداف و اولویت‌های زندگی ایجاد کرده و از سوی دیگر تحرک اجتماعی نسل جدید را به طور وسیعی کاهش داده است؛ به طوری که می‌توان گفت تورم، هم‌زیستی و هماهنگی بین نسل‌ها را مختل کرده است. نمونه‌ای از توثی‌ها در اینجا آورده شده است:

«فساد مالی و تورم افسارگسیخته، امید به ساده‌ترین زندگی را برای مردم به ویژه نسل جدید مبدل به رؤیایی محقق‌ناشدنی کرد و امیدی برای مشارکت در تعیین حق سرنوشت خویش باقی نگذاشت. از این‌رو فاصله نسل جدید و قدیم روزبه‌روز زیاد و زیادتر شد تا مبدل به گسلی عمیق گشت».

«خودم را می‌گویم هر بار که به طبقه متوسط نزدیک شدم و خواستم نفسی بکشم. مورد نیش مار تورم تحمیلی قرار گرفتم و به زیر خط فقر منتقل شدم. بعد چهل سال بارها برایم ثابت شد که زجر کشیدن‌های ما همه عمدی و طبق نقشه آقایان است».

«روند فعلی تغییر نسل در ایران می‌تونه منجر به گسترش تفکر آزادی و تغییر سیاسی لیبرال بشه، به یک شرط. اینکه نسلی که عمدتاً آزادی‌خواه، وارد بازار بشه و بخش قابل‌توجهی از پول کشور دستش باشه. حاکمیت میتونه با چند سال ایجاد عامدانه تورم و بی‌ارزش کردن پول، اثر تغییر نسل رو خنثی کنه».

۳-۳- کاهش سرمایه اجتماعی: کاهش سرمایه اجتماعی به فرایندی اشاره دارد که در آن افزایش مداوم قیمت‌ها موجب فرسایش و تضعیف شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل، هنجارهای مدنی و مشارکت جمعی جامعه ایران طی دهه‌های اخیر شده است. به عبارت دیگر، تورم با ایجاد ناامنی اقتصادی و اجتماعی باعث شده که افراد جامعه ایرانی، کمتر به یکدیگر اعتماد کرده، شرکت در فعالیتهای اجتماعی را کاهش دهند. نمونه‌ای از توثیها در اینجا آورده شده است:

«دلار ۳۶، سکه ۱۶ میلیون، ارزش پول ملی مسخره، تورم سرسام‌آور

خرید، مسکن سراب، شما اعتماد ملت رو از دست دادید».

«سرمایه‌های اجتماعی بابت ... از بین نرفتن. شما سرمایه‌های

اجتماعی تونو سال‌هاست بابت تورم و بدبختی و فقر و فساد از دست

دادین. دنبال بهونه نباشین. نمونش انتخابات آبروبر مجلس و

ریاست جمهوری بود».

۳-۴- افزایش نابرابری اجتماعی: افزایش نابرابری‌های اجتماعی به فرایندی اشاره دارد که در آن تورم کنترل نشده و طولانی‌مدت، اختلافات اقتصادی و موقعیتی بین گروه‌های مختلف جامعه ایران را تشدید کرده و به شکل‌گیری یا عمیق‌تر شدن شکاف‌های طبقاتی، جغرافیایی و اجتماعی منجر شده است. تورم اقتصادی نه تنها نابرابری در «درآمد» و «ثروت» نسبت به ثروتمندان را افزایش داده، بلکه دسترسی ناعادلانه به فرصت‌های آموزشی، شغلی و بهداشتی را نیز تقویت کرده است. نمونه‌ای از توثیها در اینجا آورده شده است:

«پروژه بگیر، مردم در رنج و بی‌پناهی هستن که این مدل اخبار رسانه

شما زمینه افزایش قیمت‌های کلیدی ارز، سوخت، کالای اساسی و انرژی

رو فراهم می‌کنه. تورم ناشی از این کار، نابرابری‌ها رو تعمیق، گرسنگان

رو افزایش و فقر و فحشا رو به بالاترین حد میرسونه».

«قطعاً این نقض صریح حقوق شهروندی پزشکه، اما هزینه درمان تو هر

کشوری با نرخ تورم، ارزش پول ملی و متوسط درآمد سرانه سنجیده می

شه. کارگری که حقوقش ماهی ۵ میلیونه، با کل حقوق یه ماه، یه

ایمپلنت نمیتونه بذاره، اما بله برای خارجی که یه دلارش سی هزار تومن میشه، هزینه درمان تو ایران مفته».

«شاخص فلاکت و تورم در پایان سال ۱۴۰۰ روشنگر حقیقتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد؛ حقیقت عمیق‌تر شدن سیاه چاله فقر و نابرابری در ایران».

بحث و نتیجه‌گیری

تورم به عنوان پدیده‌ای اقتصادی، فراتر از نوسانات قیمتی، به عاملی ساختاری در دگرگونی‌های عمیق اجتماعی در ایران تبدیل شده است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی با رویکرد عرفی یا قراردادی شی‌یه و شانون (۲۰۰۵) به تحلیل پیامدهای اجتماعی تورم از دید کاربران ایرانی در تئوئتر پرداخته است. مقوله‌های اصلی پیامدهای اجتماعی تورم از نظر کاربران ایرانی تئوئتر را شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی، انفجار نارضایتی اجتماعی و گسست اجتماعی تشکیل دادند.

مقوله نخست: یکی از مقوله‌های نهایی پژوهش حاضر، شکاف و تغییر نظام قشربندی اجتماعی است. در ایران، تورم با تأثیر متفاوت بر مکانیسم‌هایی همچون کاهش ارزش دستمزدها، نابودی پس‌اندازها و توزیع ناعادلانه منابع، شکاف طبقاتی را به گونه‌ای مدرن بازتعریف کرده است. افزایش قیمت دارایی‌هایی مانند مسکن و زمین، به نفع طبقاتی مانند نهادهای حاکمیتی و مالکان شهری است که به این منابع دسترسی دارند. از سوی دیگر، تورم با کاهش قدرت خرید، طبقه متوسط را به سمت فقر سوق می‌دهد. طبقه متوسطی که زمانی به عنوان موتور محرکه توسعه و ثبات اجتماعی شناخته می‌شد، اکنون در حال محو شدن است. این فرایند، مشابه مفهوم «پرولتاریایی شدن» است. مفهوم پرولتاریایی شدن فرایندی که طی آن یک طبقه از کنترل بر جنبه‌های مختلف فعالیت‌های خود محروم می‌شود (McKinlay & Arches, 1985: 161).

بنابراین سقوط طبقه متوسط به سطوح پایین‌تر اقتصادی، نه تنها توازن سنتی بین طبقات را برهم زده، بلکه به ظهور گروه جدیدی در ساختار اجتماعی با عنوان طبقه ملاکان شهری منجر شده است. دورکیم نیز در تئوری آنومی خود معتقد است که در

بحران‌های اقتصادی، نظم طبقاتی به هم می‌خورد و برخی افراد به جایگاه اجتماعی پایین‌تری نسبت به قبل سقوط می‌کنند (نایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹). اما این تضاد طبقاتی مدرن، دیگر مانند گذشته صرفاً مبتنی بر تفاوت در درآمد (استثمار مستقیم) نیست، بلکه به تفاوت در دسترسی به مکانیسم‌های محافظتی در برابر تورم (مانند سرمایه گذاری در ارز، سکه یا املاک) تبدیل شده است. پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعات مهربانی (۱۳۸۹)، قادری و همکاران (۱۴۰۱) و Karimi et al. (2023) نشان داده‌اند که تورم باعث تشدید اختلاف طبقاتی و افزایش فاصله میان ثروتمندان و فقرا شده است.

مقوله دوم: انفجار نارضایتی اجتماعی، یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی تورم است. این تم شامل سه مقوله ناامیدی نهادینه‌شده، مشروعیت اعتراضات اجتماعی و مهاجرت ایرانیان شد. ناامیدی نهادینه‌شده به عنوان یکی از پیامدهای شرایط نامتعادل اقتصادی، دیگر یک احساس گذرا نیست، بلکه به ویژگی ساختاری ذهنیت جمعی ایرانیان تبدیل شده است. این ناامیدی ریشه در تجربه زیسته سال‌ها تورم بی‌ثبات‌کننده، سیاست‌های ناکارآمد و ناتوانی نهادهای حکومتی در مهار بحران‌ها دارد. از دیدگاه دورکیم در نظریه آنومی، عامل اصلی بروز مسائل و بحران‌های اجتماعی، نه فقر یا رفاه اقتصادی، بلکه ناگهانی بودن تغییرات و بی‌تعادلی ناشی از آن است. تورم و شوک‌های تورمی در اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر که نرخ‌های بالای ۳۰ درصد داشته‌اند، نمونه‌ای عینی از این تغییرات ناگهانی و بی‌تعادلی در جامعه ایرانی به شمار می‌روند. در نتیجه این تغییرات سریع و ناگهانی، مسائلی همچون نارضایتی، سرخوردگی، ناامیدی و بحران‌های اجتماعی شکل می‌گیرند (نایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵-۲۰).

از سوی دیگر، زمانی که افراد به طور مداوم شاهد کاهش قدرت خرید، از دست دادن پس‌اندازها و بی‌ثباتی شغلی هستند، اعتمادشان به وعده‌های بهبود از بین می‌رود. این بی‌اعتمادی، فراتر از حوزه اقتصادی، به نهادهای سیاسی و اجتماعی نیز تسری می‌یابد. مردم نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی امید ندارند، بلکه بیش از پیش مشروعیت نظام حاکم در حل مشکلات را زیر سؤال می‌برند؛ همان‌گونه که سیمور مارتین لیپست^۱، مشروعیت در نظام‌های دموکراتیک را با کارایی نظام سیاسی مرتبط می‌داند و معتقد

1. Seymour Martin Lipset

است: «مشروعیت نظام‌های سیاسی معاصر بیشتر، معلول موفقیت آنها در حل و فصل اختلافات درونی سیستم‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است» (رحمت‌الهی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

عدم اعتقاد کاربران ایرانی به کارایی نظام سیاسی در حل تورم اقتصادی، بستر مناسبی برای مشروعیت‌بخشی به اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کند. شورش‌ها و اعتصابات دهه گذشته ایران، تنها بازتاب نارضایتی اقتصادی نیستند، بلکه بیانگر بحران عمیق‌تری در رابطه بین حکومت و جامعه هستند. چارلز تیلی^۱ در نظریه بسیج منابع معتقد است که جنبش‌های اجتماعی زمانی شکل می‌گیرند که مردم، یا هیچ ابزار نهادی معتبری برای بیان خواسته‌های خود در اختیار ندارند، یا نیازهایشان به طور مستقیم توسط دولت سرکوب می‌شود (هراتی و حسینی، ۱۳۹۸: ۶۵). این امر زمینه را برای شکل‌گیری یک حرکت اعتراضی که چارلز تیلی در نظریه خود با عنوان کنش جمعی (یکی از عوامل پنج‌گانه بیرونی شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی) از آن نام می‌برد، فراهم می‌کند که به معنای اقدام جمعی مردم (معترضان خیابانی) برای دستیابی به منافع مشترک (اقتصادی و سیاسی) است (بحرانی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۴).

همزمان، مهاجرت استراتژیک به واکنشی منطقی در میان بسیاری از ایرانیان تبدیل شده است. این پدیده تنها یک انتخاب فردی نیست، بلکه بازتابی از محاسبات عقلانی برای نجات سرمایه‌های انسانی و مالی از گرداب تورم است. در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی ماکس وبر، جامعه، مجموعه‌ای از افراد است که کنش‌های عقلانی انجام می‌دهند. کنش عقلانی به این معناست که افراد آگاه، مختار و هدفمند در شرایط تورم مزمن ایران به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۷: ۳۷). به علاوه، این سنخ از مهاجرت با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند انجام می‌شود که نشان‌دهنده از بین رفتن اعتماد به بهبود داخلی و جست‌وجوی فرصت‌های خارج از مرزهاست. خروج فردی یا خانوادگی ایرانیان از کشور برای تحقق اهداف خود در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی، کنشی هدفمند است، زیرا در چارچوب این تئوری، کنشگران ایرانی، گزینه مهاجرت را بهترین راه برای رسیدن به اهدافشان تعریف می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مطالعه کشاورز (۱۴۰۲) نشان داد که انسداد

اقتصادی در ایران منجر به افزایش ناامیدی اجتماعی شده است. همچنین پژوهش سردارنیا و هنگامه (۱۴۰۱) بیان کرد که متغیرهای اقتصادی و معیشتی، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری اعتراضات خیابانی در ایران داشته‌اند. علاوه بر این، تحقیق حیدری و اله‌ترکان (۱۴۰۴) نشان داد که فرار از تنگنای متعدد و تحقق آرزوها در آرمان‌شهر غرب، از دلایل اصلی مهاجرت دختران تحصیل کرده بوده است. در میان مطالعات خارجی، پژوهش ژدانوف و کوروتایف^۱ (۲۰۲۴) نشان داد که تورم باعث شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی شده و تحقیق روچا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) اثبات کرد که تورم موجب مهاجرت نیروی کار از ونزوئلا شده است.

مقوله سوم: گسست اجتماعی به عنوان پیامد کلیدی دیگر، مشتمل بر چهار مقوله فرعی فقدان انسجام اجتماعی، شکاف نسلی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی است. همبستگی اجتماعی که زمانی یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایران به‌ویژه در دهه ۶۰ شمسی بود، اکنون در حال فرسایش است. کاهش انسجام اجتماعی نشان‌دهنده فروپاشی تدریجی پیوندهای همبستگی در جامعه ایران است. دورکیم در تئوری همبستگی اجتماعی علاوه بر رابطه فرد و جامعه به رابطه متقابل اعضا با یکدیگر در ایجاد همبستگی می‌پردازد. از نظر دورکیم، عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر، یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده همبستگی اجتماعی دانست (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۸۹). اما تورم با تبدیل زندگی به مبارزه‌ای روزمره برای بقا، رقابت بر سر منابع محدود را جایگزین همکاری اجتماعی کرده است. زمانی که افراد مجبورند ساعات بیشتری کار کنند تا تنها نیازهای اولیه خود را تأمین کنند، فرصت و انرژی لازم برای مشارکت در فعالیت‌های جمعی (مانند انجمن‌های محلی یا مناسک و آیین‌های دینی) از بین می‌رود. در همین زمینه، دورکیم نیز دین (مناسک و آیین‌های مذهبی) را عاملی مؤثر در فرآیند انسجام و وحدت اجتماعی می‌داند (جهانی‌نسب، ۱۴۰۱: ۱۶۲). در میان پیشینه‌های تحقیقی، نتایج پژوهش‌های حیدریان بروجنی (۱۴۰۱) و افراسیابی و بهارلویی (۱۳۹۸) نشان داد که تورم موجب کاهش همبستگی اخلاقی گروه‌های اجتماعی ایران شده است. شکاف نسلی نیز در این بستر تورمی شکل می‌گیرد. نسل قدیم که خاطره ثبات

1. Zhdanov & Korotayev

2. Rocha

نسبی پیش از تشدید تورم را دارد، با نسل جوانی مواجه است که هیچ تجربه‌ای جز بی‌ثباتی و ناامیدی ندارد. این تفاوت تجربه‌های زیسته، به تفاوت در ارزش‌ها، اولویت‌ها، و حتی زبان بیان اعتراضات منجر شده است. مانهایم در نظریه تعارض نسلی خود نیز بیشتر بر تجربه نسلی تأکید دارد و معتقد است هر نسل دارای تجربه‌های متفاوتی نسبت به نسل پیشین است که این تجربه‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری گرایش‌های ذهنی آن نسل در طول زندگی ایفا می‌کند (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۳). از طرفی، نسل مسن‌تر که دارایی‌هایی مانند مسکن را در اختیار دارد، تاحدی از پیامدهای تورم در امان است، در حالی که جوانان فاقد دارایی، فشار کامل تورم را تحمل می‌کنند. این نابرابری نسلی، به احساس بی‌عدالتی و خشونت دامن می‌زند. این شکل از تعارض را در نظریه تضاد نسلی بوردیو می‌توان مشاهده کرد. بوردیو معتقد است که در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها از سنخ شکاف افقی است. در واقع رویارویی میان جوانان و افراد مسن بیانگر تعارض میان افرادی با مواضع متفاوت قدرت و ثروت است. از نظر وی، تعارضات نسلی بر اساس جایگاه استراتژیک هر نسل نسبت به مجموعه‌ای از منابع و نبرد میان نسل‌ها برای بهره‌برداری انحصاری از این منابع شکل می‌گیرد. بنابراین شکاف نسلی، نتیجه تضاد بر سر منابع اقتصادی و فرهنگی درون یک میدان مشخص است (همان: ۱۰۶-۱۰۸). در همین راستا پژوهش امیدوار و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که شرایط نامساعد معیشتی، یکی از دلایل شکاف نسلی نوجوانان شهر تهران بوده است.

افزایش نابرابری‌های اجتماعی، تنها محدود به اختلاف درآمدی نیست، بلکه به دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی، بهداشتی و شغلی نیز مربوط می‌شود. تورم باعث شده است که کیفیت خدمات عمومی (مانند آموزش و درمان) برای اقشار کم‌درآمد به شدت کاهش یابد، اما گروه‌های خاصی از جامعه، نظیر اتباع غیر ایرانی یا اقشار پرنفوذ، با استفاده از منابع مالی خود به خدمات خصوصی روی می‌آورند. نتایج پژوهش بالوش و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که تورم موجب نابرابری در حوزه سلامت ایران شده است. در کنار این عوامل، کاهش سرمایه اجتماعی، جامعه ایران را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی آسیب‌پذیرتر کرده است. طبق نظریه سرمایه اجتماعی

پاتنام^۱ در کتاب «بولینگ تنها» (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی ناشی از روابط میان افراد است و سه مؤلفه اصلی آن عبارتند از: شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای تعامل و اعتماد (دلایز و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۹۱).

تورم و فشارهای اقتصادی باعث کاهش سرمایه اجتماعی شده‌اند که خود را در کاهش اعتماد بین فردی و بی‌اعتمادی به نهادها نشان می‌دهد و جامعه را به سمت فردگرایی سوق می‌دهد. از دیدگاه پاتنام، سرمایه اجتماعی به افراد، این امکان را می‌دهد که برای رسیدن به اهداف جمعی به طور مؤثرتری همکاری کنند، اما رشد فردگرایی ناشی از تورم، حل مسائل جمعی را دشوار می‌سازد، زیرا شهروندان، تمایل کمتری به فداکاری منافع کوتاه‌مدت خود برای دستیابی به اهداف بلندمدت دارند. علاوه بر این جامعه‌ای که شبکه‌های اعتماد و همکاری در آن ضعیف شده باشد، توانایی کمتری برای مقابله جمعی با بحران‌هایی مانند تحریم‌ها یا همه‌گیری کرونا دارد. در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، نه تنها به افزایش فردگرایی و کاهش همکاری‌های جمعی منجر شده، بلکه ظرفیت جامعه برای مواجهه مؤثر با بحران‌های مختلف را نیز کاهش داده است. در هم‌راستایی با پیشینه تحقیق حاضر، نتایج پژوهش‌های دین‌محمدی و قربانی (۱۳۹۵) و گوریف و ملنیکوف^۲ (۲۰۱۶) نشان داد که تورم موجب کاهش شدید سرمایه اجتماعی در ایران و روسیه شده است.

در مجموع می‌توان گفت که تورم به مثابه یک بحران چندبعدی، نیازمند رویکردی جامع است. ارائه راه‌حل‌های فنی صرفاً اقتصادی (مانند تعدیل نرخ بهره یا کنترل قیمت‌ها) بدون توجه به ریشه‌های اجتماعی-فرهنگی تورم، محکوم به شکست است. جامعه ایران امروز، نه تنها با کمبود منابع اقتصادی، بلکه با کمبود شدید «امید اجتماعی» مواجه است. بازسازی این امید، مستلزم ایجاد فضایی برای مشارکت واقعی شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، مبارزه با فساد ساختاری و بازتوزیع عادلانه فرصت‌هاست. بدون احیای اعتماد و همبستگی اجتماعی، هرگونه سیاست اقتصادی به جای حل بحران، به عمق شکاف‌های موجود خواهد افزود.

1. Putnam

2. Guriev & Melnikov

محدودیت‌های پژوهش

۱. براساس آمار و نظرسنجی‌های موجود، کاربران اجتماعی توئیتر نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی خارجی، کمترین میزان را در ایران دارد و فیلتر بودن این شبکه از سوی دیگر بر کاهش هرچه بیشتر کاربران توئیتر افزوده است. لیکن نقش فعال توئیتر در مسائل اجتماعی، برتری نسبی بهتری نسبت به دیگر شبکه‌های اجتماعی برای آن ایجاد کرده است.
۲. کاربران اجتماعی توئیتر نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی با ماهیت اغلب سرگرمی مانند اینستاگرام از گروه محدودتر و خاص‌تری تشکیل می‌شود. بر همین اساس، نظرهای آنان به عنوان تجربه تمام مردم ایران در نظر گرفته نشده است و نتایج تحقیق صرفاً بیانگر دیدگاه کاربران توئیتر با گرایش‌های سیاسی و اجتماعی خاص خودشان است.

پیشنهادهای پژوهش

ایجاد بسترهای امن و نهادمند برای بیان اعتراضات قانونی در فضای عمومی

باتوجه به افزایش اعتراضات خیابانی و مشروعیت روزافزون آن در دهه اخیر پیشنهاد می‌شود چارچوب‌های حقوقی مشخص برای اعتراضات قانونی تدوین گردد. برای تحقق این هدف، قوه قضاییه، وزارت کشور و شورای عالی امنیت ملی با همکاری نهادهای مدنی، آیین‌نامه‌هایی برای برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز تدوین کنند که ضمن حفظ امنیت عمومی، امکان شنیدن صدای مردم را فراهم سازد. شهرداری‌ها نیز می‌توانند فضاهای خاصی را برای تجمعات قانونی در نظر بگیرند تا مردم بتوانند بدون ترس از برخورد، هیجانات و مطالبات خود را ابراز کنند. همچنین ایجاد سازوکارهای میانجی‌گری اجتماعی در قالب «کانون‌های تسهیل‌گر گفت‌وگو» در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها می‌تواند کانال‌های نهادمند انتقال اعتراضات به مسئولان باشد.

منابع

- آذری، غلامرضا و تابان امیدوار (۱۳۹۱) «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سرمایه اجتماعی»، فرهنگ ارتباطات، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۸۱-۲۰۹.
- اصغریور ماسوله، احمدرضا و حدا داوری (۱۴۰۳) «بازنمایی طبقه متوسط جدید (بورژوازی جدید) در سه فیلم منتخب سینمای دهه نود ایران»، فصلنامه علمی رسانه (انتشار آنلاین).
- افراسیابی، حسین و مریم بهارلویی (۱۳۹۸) «تنگنای زیست جهان سالمندی مطالعه کیفی بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۳۳-۶۲.
- (۱۳۹۹) «پیامدهای تورم در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی‌ویکم، شماره ۴، صص ۲۳-۴۴.
- امیدوار، آزاد و دیگران (۱۴۰۳) «مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در میان نوجوانان و والدین شهر تهران (با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای) ارائه یک مدل پارادایمی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی (انتشار آنلاین).
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۵-۴۴.
- باوش، معصومه و دیگران (۱۳۹۶) «تحلیل عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر فقر و نابرابری حوزه سلامت طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴»، رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۷، صص ۷۱-۱۰۸.
- بحرانی‌پور، علی و دیگران (۱۳۹۷) «تحلیل جنبش سریداران بر پایه نظریه کنش جمعی چارلز تیلی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص ۸۹-۱۲۰.
- بهارلویی، مریم و حسین افراسیابی (۱۴۰۱) «تورم و زیست اقتضایی در جامعه ایران: یک مطالعه داده بنیاد»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۳۱-۵۷.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵) «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانه‌ایم و وردیو»، نامه علوم اجتماعی، جدید (پیاپی ۲۷)، صص ۹۵-۱۲۴.
- حسین‌زاده، محمدصالح (۱۴۰۳) «بررسی و تحلیل فرآیند تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر اعتراضات اقتصاد پایه (مطالعه موردی: آبان‌ماه ۹۶ و دی‌ماه ۹۸)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفدهم، شماره ۶۳، صص ۱۰۳-۱۳۳.

حیدریان بروجنی، امیرمسعود (۱۴۰۱) بازنمایی نقش تورم و شرایط اقتصادی بر زندگی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی به راهنمایی غلامرضا تاج‌بخش، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی.

حیدری، آرمان و رحمت‌الله ترکان (۱۴۰۴) «مطالعه پدیدارشناختی مهاجرت بین‌المللی دختران تحصیل‌کرده ایرانی (مورد مطالعه: دختران مراجعه‌کننده به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان اصفهان)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی‌وششم، شماره ۱، صص ۲۳-۴۸.

جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی، مقدمه‌ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده»، راهبرد فرهنگ، سال اول، شماره ۳، صص ۳۳-۶۴.

جهانی‌نسب، احمد (۱۴۰۱) «بررسی مقایسه‌ای آرا و اندیشه‌های ابن‌خلدون و امیل دورکیم با تأکید بر نقش و کارکرد همبستگی اجتماعی در تکوین و تداوم نظام سیاسی»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۷۷.

دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (۲۰۲۳)، «تئوئتر».

دلاویز، محسن و دیگران (۱۳۹۹) «تأملی تطبیقی در مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام و فوکویاما»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۲۸۸-۲۳۰۶.

دین‌محمدی، مصطفی و فهمیده قربانی (۱۳۹۵) «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگوی پایه پیشرفت. تهران.

رحمت‌اللهی، حسین (۱۳۸۲) «مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر»، مجله علمی حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۵، صص ۱۳۷-۱۶۹.

رشیدی، حسن (۱۳۹۴) «قشربندی و تحرک اجتماعی در جامعه صنعتی»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱، تهران.

رمضانی آرانی، مجید و دیگران (۱۴۰۳) «الگوی شکل‌گیری نارضایتی عمومی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا. ایران، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۴۲.

سردارنیا، خلیل و هنگامه البرزی (۱۴۰۱) «تحلیل اعتراضات صنفی - اجتماعی اخیر در ایران از منظر نظریه سیاست خیابان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۱۰۷-۱۵۰. صندوق بین‌المللی پول.

قادری، ریحانه و دیگران (۱۴۰۱) «ارزیابی علل ایجاد شکاف طبقاتی و رابطه آن با کاهش اعتماد به مسئولان نظام در جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱۵۰۲-۱۵۱۸.

کشاوری، خدیجه (۱۴۰۲) «امید و ناامیدی در جامعه ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۹۳-۱۲۰.
کوزر، لوئیز (۱۳۸۹) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران، علمی.

محمدخانی، مهرانگیز (۱۴۰۲) کاوش کیفی فرایندهای آزار سایبری در میان زنان جوان، پایان‌نامه دکتری، جامعه‌شناسی به راهنمایی سعیده گروسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

محمدی خانقاهی، محسن و دیگران (۱۴۰۲) «تحلیل لایه‌های علی نارضایتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۴۷-۸۴.
مرکز آمار ایران، قابل دسترسی در: www.amar.org.ir.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، قابل دسترسی در: <https://ispa.ir>.

مرکز پژوهشی بتا

منزلی، عباسعلی (۱۴۰۱) «مطالعه تأثیر رسانه‌های اجتماعی مجازی در شکل‌گیری بحران اجتماعی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی»، امنیت ملی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۲۳۷-۲۶۶.
مهربانی، وحید (۱۳۸۹) «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، سال چهل و پنجم، شماره ۱، صص ۲۰۷-۲۲۷.

نایی، هوشنگ و دیگران (۱۳۹۶) «تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری»، رفاه اجتماعی، سال هفدهم شماره ۶۶، صص ۹-۵۱.

هراتی، محمدجواد و آسیه حسینی (۱۳۹۸) «امکان‌سنجی نظریه بسیج منابع در انقلاب‌های تونس و لیبی»، سیاست جهانی، سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۳۰)، صص ۶۱-۹۲.

Béland, D., Cantillon, B., Greve, B., Hick, R., & Moreira, A. (2024)

Understanding the Inflation and Social Policy Nexus. *Social Policy and Society*, 23(1), 149–162.

Chamberlain, R. G. (2013) Modeling inflation using a non-equilibrium equation of exchange. *Research Papers in Economics*.

Findawati, Y., Puspitasari, R., & Rosid, M. A. (2023) Sentiment analysis of post-COVID-19 inflation based on Twitter using the k-nearest neighbor and support vector machine classification methods. *Jurnal Teknik Informatika (JUTIF)*, 4(4).

Guriev, S., & Melnikov, N. (2016) War, inflation, and social capital. *The American Economic Review*, 106(5), 230–235.

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005) Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277–1288.

- Karimi, S., Indrawari, I., & Ridwan, E. (2023) The effect of inflation on income inequality: Evidence from a non-linear dynamic panel data analysis in Indonesia. *Decision Science Letters*, 12(3), 639–648.
- McKinlay, J. and Arches, J. (1985) 'Towards the proletarianization of physicians', *International Journal of Health Services* 15:161–95.
- Muñoz-Martínez, J. A., Orozco, D., & Ramos-Veloza, M. A. (2023). Tweeting inflation: Real-time measures of inflation perception in Colombia. *Latin American Economic Review*, 33(10), 1-39.
- Rocha, A., Silva, C. G. da, & Perobelli, F. (2020) Inflation and labor migration: Modelling the Venezuelan case (Working Paper No. 2020_05). University of São Paulo (FEA-USP), Department of Economics.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. (1995) The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69(4), 719–727.
- Sachan, B. (2024) A sociological investigation of the theoretical underpinnings and applied consequences of social stratification. *International Journal of Multidisciplinary Research in Arts, Science and Technology*, 2(8), 51–61.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998) *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.
- Tavakolian, H., Babae, M., & Shakeri, A. (2018) How fluctuations in macroeconomic indicators affect inflation in Iran. *Journal of Monetary Economics*, 13(3), 267–289.
- Yurevich, D. M., Shavkatovna, Z. E., Vladimirovich, M. V., & Alexandrovna, Z. N. (2017) "New Indicators of the Level of Social Dissatisfaction in the Planning of Social-Economic Development of the Region, " *Economy of region*, Centre for Economic Security, Institute of Economics of Ural Branch of Russian Academy of Sciences, vol. 13(1), pages 70-79.
- Zhdanov, A. I., & Korotayev, A. (2024) Inflationary pressure and revolutionary destabilization: Impact assessment and comparative analysis. *Sociology of Power*. 36(2), 113–141.